



RESEARCH ARTICLE

An Examining of The Strengths and Weaknesses of Iran's Security Policy making in Central Asia and The South Caucasus (2009-2024)

Amirroham Shojaie^{1*}, Reza Simbar², Amir Niakooee³

1. Ph.d. Student of International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

* Corresponding Author's Email: amir6776roham@gmail.com

2. Professor of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Email: simbar@guilan.ac.ir

3. Professor of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Email: niakooee@guilan.ac.ir



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.413308.2880>

Received: 28 March 2026

Accepted: 1 June 2026

ABSTRACT

This article examines the strengths and weaknesses of the Islamic Republic of Iran's security policy making toward Central Asia and the South Caucasus during the period 2009–2024. The central research question seeks to identify the main strategic orientations that have shaped Iran's security policymaking in these regions. The findings suggest that regionalism, security cooperation with Russia, balanced diplomacy, border management, and the handling of regional crises constitute the principal strengths of Iran's approach. At the same time, several significant weaknesses are identified, including the absence of a comprehensive security perspective, the lack of an integrated regional security strategy, the adverse influence of ideological considerations, institutional and discursive fragmentation, a predominantly reactive posture, and the underutilization of cultural capacities. Employing a qualitative research design, the study draws on documentary sources and expert interviews. The collected data were analyzed through thematic analysis within an analytical–explanatory framework. The findings contribute to a more systematic understanding of the opportunities and challenges facing Iran's security policymaking in its northern strategic environment.

Keywords: Security Policy Making, Iran, Central Asia, South Caucasus, National Security.

Citation: Shojaie, Amirroham; Simbar, Reza; Niakooee, Amir (2026). An Examining of The Strengths and Weaknesses of Iran's Security Policy making in Central Asia and The South Caucasus (2009-2024). *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (3), 196-211.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.413308.2880>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

ارزیابی نقاط قوت و ضعف سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (۲۰۲۴-۲۰۰۹)

امیررهام شجاعی^{۱*}، رضا سیمبر^۲، امیرنیاکویی^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: amir6776roham@gmail.com

۲. استاد علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

رایانامه: simbar@guilan.ac.ir

۳. استاد علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

رایانامه: niakooee@guilan.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.413308.2880>

تاریخ دریافت: ۸ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۱ خرداد ۱۴۰۵

چکیده

هدف اصلی این مقاله، احصاء مهم‌ترین محورهای ناظر بر راهبردهای سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط پیرامونی شمال ایران یعنی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در حوزه نقاط قوت و نقاط ضعف بوده و پرسش مقاله به این شرح است که راهبردهای کلی سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (با تأکید بر بازه ۲۰۲۴-۲۰۰۹) شامل چه مواردی بوده‌اند؟ این پژوهش کیفی بوده، داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و از طریق مصاحبه با خبرگان جمع‌آوری و به شیوه تحلیل مضمون و تحلیلی-تبیینی تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش مواردی از جمله منطقه‌گرایی، روابط امنیتی با روسیه، دیپلماسی متوازن، کنترل مرزی و مدیریت بحران‌های پیرامونی را در زمره نقاط قوت نسبی و مواردی از جمله فقدان نگرش موسع امنیتی، فقدان استراتژی امنیتی جامع و یکپارچه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، تأثیرات سوء ایدئولوژی، عدم اجماع نهادی و گفتمانی، واکنش محوری، عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های فرهنگی و... را از جمله نقاط ضعف سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برمی‌شمارد.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری امنیتی، ایران، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، امنیت ملی.

استناد: شجاعی، امیررهام؛ سیمبر، رضا؛ نیاکویی، امیر (۱۴۰۵). ارزیابی نقاط قوت و ضعف سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (۲۰۲۴-۲۰۰۹). فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۲ (۳)، ۲۱۱-۱۹۶.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.413308.2880>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به عنوان دو مجموعه امنیتی در محیط پیرامونی ایران، همواره تأثیرگذاری مستقیمی بر امنیت ملی ایران داشته‌اند. این دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای، از یکسو به عنوان محلی برای اعمال نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح بوده و از سوی دیگر و با فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای این منطقه و تمایل آن‌ها برای ایفای نقش موثر در سیاست‌های منطقه‌ای، تبدیل به دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای با معادلات پیچیده و ترتیبات چندلایه شده‌اند. بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله چین، روسیه، آمریکا، ترکیه، عربستان، امارات، اسرائیل و... هر یک با توجه به منافع خود تعریف نموده‌اند و هر یک به شیوه‌ای مختص خود، همواره درصدد افزایش نفوذ و حضور خود در این دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوده‌اند. این در شرایطی است که نسبت ایران با این دو منطقه در محیط پیرامونی و همسایگی شمالی، از نقطه نظر ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر، یک نسبت خاص بوده که هیچ بازیگر دیگری به این صورت از این خصوصیات برخوردار نبوده است. نسبت خاص ایران با این دو منطقه در کنار سیاست‌ها و راهبردهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که به دنبال افزایش نفوذ و منافع خود در این منطقه بوده‌اند، مجموعه‌ای چند بُعدی و پیچیده از تهدیدات و چالش‌ها را پیش روی ایران قرار داده است. مجموعه چالش‌ها و تهدیدات متوجه ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی از یکسو و از سوی دیگر ضرورت‌های بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و برآورده‌سازی منافع ایران در این دو منطقه، مقوله سیاستگذاری امنیتی ایران را به امری مهم و مسئله‌ای درخور توجه تبدیل کرده است. بر همین اساس پرسش مقاله به این شرح است که راهبردهای کلی و نقاط قوت و ضعف سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (با تأکید بر بازه ۲۰۲۴-۲۰۰۹) شامل چه مواردی بوده‌اند؟

مبانی نظری پژوهش

امنیت و امنیت ملی

تعابیر، تفاسیر و تعاریف متفاوتی از مفهوم امنیت وجود دارد. در حقیقت باید گفت که امنیت، به عنوان یک «مفهوم اساساً مورد مناقشه»^۱ درک می‌شود، زیرا یک تعریف جهانی، ثابت و ایستا از این اصطلاح وجود نداشته و نحوه درک برخی گروه‌ها از مفهوم امنیت با یکدیگر ناسازگار است. یک مفهوم اساساً مورد مناقشه مفهومی است که در آن اجماع کلی وجود دارد که یک مفهوم وجود دارد، اما توافقی در مورد معنای اصطلاح وجود ندارد؛ به علاوه، همه معانی این اصطلاح، اعم از مفهومی، عملی و عملیاتی، دارای مسائل ذاتی هستند و به همین دلیل است که در معنای چنین اصطلاحی توافقی وجود ندارد (Bhal, 2014). برخی امنیت را به معنای فقدان تهدید برای حفظ ارزش‌ها در بُعد عینی و فقدان ترس، از مورد حمله قرارگرفتن ارزش‌ها در بُعد ذهنی، تعریف کرده‌اند (Wolfers, 1952). محققان مکتب امنیتی کپنهاگ از مفهوم سنتی امنیت خارج شده و امنیت را اینگونه تعریف کرده‌اند: امنیت توانایی دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و یکپارچگی عملکردی خود است (Buzzan and others: 1997). در عرف رایج، امنیت ملی به حفاظت از تمامیت ارضی یک کشور اشاره دارد (K.singh, 2015: 1921). با این حال باید گفت که حفاظت از تمامیت ارضی اگرچه مهم‌ترین کارویژه امنیت ملی است اما حفاظت از سایر جنبه‌های مادی و معنایی کشور نیز از جمله دلالت‌های امنیت ملی است. به‌طور کلی باید گفت که مفهوم امنیت ملی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم دفاع داشته و بر بقای نهادهای سیاسی-اجتماعی در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی اشاره دارد (Khan, 2022). لیپمن^۲ در یک تعریف قابل توجه و پرمغز اینگونه استدلال می‌کند که یک ملت زمانی دارای امنیت است که مجبور نباشد منافع مشروع خود را برای اجتناب از جنگ قربانی کند و

1 . An Essentially Contested Concept

2 . Lippmann

در صورت به چالش کشیده شدن، بتواند آن‌ها را با جنگ حفظ کند (Lippmann, 1943). به نظر می‌رسد این تعریف یکی از بهترین تعریف‌هایی است که در مورد امنیت وجود دارد و مفاهیم امنیت و امنیت ملی در این مقاله حول این تعریف سازمان یافته‌اند.

سیاست‌گذاری امنیتی

تلاش انسان‌ها در راستای تامین امنیت، از جمله علل و زمینه‌های تاسیس دولت به شکل کنونی است و همچنین بقای دولت‌ها نیز به تامین و برقراری امنیت وابسته است، بنابراین از آن جایی که کار سیاست‌گذاری سامان دادن به امور است، سیاست‌گذاری امنیتی از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت محسوب می‌شود (رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی، ۱۳۹۷: ۲۷۹) در واقع از آنجایی که وجود امنیت، پیش‌نیاز تجلی سایر خواست‌ها و افعال انسانی است، بنابراین سیاست‌گذاری امنیتی بر سیاست‌گذاری در سایر حوزه‌ها مقدم است و در برگیرنده ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی است. بر همین اساس می‌توان اینگونه استدلال نمود که سیاست‌گذاری امنیتی، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه حل مناسب است، در این بین، یافتن مسئله و شناخت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است و همچنین مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود؛ مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شود اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن‌ها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود (رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۷) اگر مرجع امنیتی به تنهایی دولت باشد، به معنای امنیت دولتی سنتی است، در مقابل، فردی که مرجع امنیت است، دلالت بر امنیت انسانی دارد و در صورتی که افراد، جوامع و دولت همزمان مرجع امنیت باشند، بیانگر امنیت همه جانبه ملی است (Khan, 2022). در مجموع باید گفت که سیاست‌گذاری امنیتی که هدف اصلی آن حفظ مجموعه نظام سیاسی، اجتماعی، ارضی و هویتی کشور است، بایستی ترجیحاً به گونه‌ای باشد که تهدیدات را به صورت جامع و پیش از آنکه به بحران‌ها و فجایع غیرقابل کنترل تبدیل شوند مهار کند.

روش تحقیق

داده‌های پژوهش به شیوه ترکیبی کتابخانه‌ای و مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها نیز به شیوه ترکیبی تحلیل مضمون و توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. در حقیقت مضامین اصلی، زیر مضمون‌ها و کدهای مربوطه از مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند و در ادامه از داده‌هایی جهت تأیید و تکمیل آن‌ها در قالب مقالات، کتب و سایر منابع معتبر استفاده شده است. شایان ذکر است که نمونه ۱۲ نفره به شیوه هدفمند انتخاب شده و مصاحبه‌ها در بازه زمانی اردیبهشت سال ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵ صورت پذیرفته‌اند. از تعداد ۱۲ نفر مورد مصاحبه، ۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه با تخصص در رشته‌های روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و مسائل ایران بوده و ۴ نفر دیگر نیز کارشناسان این حوزه را تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری و عدم تکرار مضامین و کدهای جدید که در مصاحبه دوازدهم حاصل شد ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج و بسط آن‌ها نیز به شیوه تحلیلی-تبیینی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها

جدول ۱. مضامین و نقل قول‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

مضمون اصلی	زیر مضمون‌ها	کد	نمونه نقل قول‌ها
نقاط قوت	جلوگیری از درگیری نظامی و مدیریت تنش‌ها	مدیریت بحران	«جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته تا در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تا جای ممکن مسائل و منافع خود را به شیوه‌ای غیر تنش‌زا پیگیری نموده و بحران‌هایی مانند تعارضات ارمنستان و آذربایجان را به صورت دیپلماتیک مدیریت کند» (مصاحبه شماره ۳)

مضمون اصلی	زیر مضمون ها	کد	نمونه نقل قول ها
نقاط قوت	مدیریت چالش های مرزی	کنترل مرزی	«با وجود مرزهای وسیع زمینی و دریایی مشترکمان با آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و چالش هایی که این مسئله ایجاد می کند، امنیت مرزی و مدیریت چالش های آن قابل قبول بوده است» (مصاحبه شماره ۱)
نقاط قوت	همکاری های امنیتی با روسیه	تحلیل واقع گرایانه مناسبات قدرت در منطقه	«جمهوری اسلامی ایران نقش سنتی روسیه را در آسیای مرکزی و قفقاز به طور نسبی پذیرفته و تلاش داشته تا رویکردش در این منطقه بر ضد منافع روسیه نباشد و با آن هم سویی ایجاد کند» (مصاحبه شماره ۷)
نقاط قوت	حضور در ساز و کارهای منطقه ای	منطقه گرایی	«تلاش جمهوری اسلامی ایران برای حضور و ایفای نقش در ساز و کارهای منطقه ای مانند سازمان همکاری شانگهای و یا حتی ساز و کار ۳+۳ را می توان از جمله نقاط قوت سیاست گذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نظر گرفت» (مصاحبه شماره ۳)
نقاط قوت	توازن در روابط با کشورهای منطقه	دیپلماسی متوازن	«تلاش جمهوری اسلامی ایران در مجموع بر این بوده تا یک رابطه متوازن با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برقرار کند و رویکرد آیت الله خامنه ای در مسائلی مانند قره باغ گویای این مسئله است که هم از حاکمیت آذربایجان بر قره باغ حمایت کرد هم از حقوق ارمنه در این منطقه» (مصاحبه شماره ۵)
نقاط قوت	ادراک صحیح برخی تهدیدات (ترانزیتی)	امنیتی سازی قابل قبول تهدیدات ترانزیتی	«موضع گیری مسئولان جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که حداقل در حوزه ادراکی برخی تهدیدات مانند تهدیدات مربوط به ترانزیت و کریدورها مانند کریدور زنگرور به درستی ادراک و امنیتی سازی شده اند» (مصاحبه شماره ۹)
نقاط ضعف	ضعف هماهنگی و عدم اجماع (نهادی و گفتمانی) در سیاست گذاری امنیتی	چند پارگی نهادی و ادراکی	«تداخل منافع نهادی داشته ایم در این مناطق به عنوان مثال اهداف امنیتی و اقتصادی مان گاهاً باهم در تضاد بوده اند» (مصاحبه شماره ۱۱) «چند دستگی نهادی و عدم وجود ساز و کاری برای هماهنگی نهادی گاهی باعث شده اند که مسائل این منطقه به شیوه های متفاوتی ادراک شوند، مثلاً جنگ دوم قره باغ به شیوه های متفاوتی از سوی مجموعه های امنیتی، بخش هایی از دولت و دفاتر امام جمعه ادراک شد که آسیب هایی نیز در پی داشته است این موضوع» (مصاحبه شماره ۲)
نقاط ضعف	فقدان استراتژی امنیتی یکپارچه و جامع در قبال آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی	فقدان راهبرد	«واقعیت این است که در عمل یک برنامه یا یک سند جامع که روشن کند چه منافعی را باید در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی پیگیری کنیم و هدف گذاری مشخصی در این حوزه نداشته ایم» (مصاحبه شماره ۱)
نقاط ضعف			
نقاط ضعف	کم توجهی به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به واسطه تمرکز جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه	سیاست گذاری نامتوازن منطقه ای	«عمده تمرکز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به خاورمیانه و مسائل مربوط به این منطقه و تلاش جهت مقابله با رویکردهای آمریکا و اسرائیل در این منطقه بوده و توجه متوازی به سایر مناطق از جمله آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی صورت نگرفته است» (مصاحبه شماره ۹)
نقاط ضعف	نگاه تک بُعدی به مقوله امنیت	امنیتی سازی غیرهوشمندانه	«نگاه ما به امنیت، یک نگاه سنتی بوده و همین مسئله باعث شده بسیاری از تهدیدات در سایر حوزه ها مثل نفوذ هویتی ترکیه در قالب ایده پان تُرکیسم و یا حتی مسائل زیست محیطی در حوزه آبی دریای خزر به درستی و به صورت کافی ادراک نشوند» (مصاحبه شماره ۱)
نقاط ضعف	عدم بهره برداری از ظرفیت های اقلیت ها	ضعف راهبردهای فرهنگی	«واقعیت این است که ظرفیت های بسیاری در حوزه فرهنگی در این منطقه داشته ایم که بهره لازم را از آن نبرده ایم» (مصاحبه شماره ۶) «برخی اقوام از جمله تالش ها، تات ها و فارسی زبانان آسیای مرکزی با وجود پیوندهای فرهنگی با ایران، جایگاه روشنی در سیاست گذاری امنیتی ما نداشته اند» (مصاحبه شماره ۸)
نقاط ضعف	تأثیرات منفی رویکردهای ایدئولوژیک	آسیب های ایدئولوژی	«بسیاری از کشورهای این منطقه به واسطه ماهیت دولتهاشان که اقتدارگراست، سیاست های ایدئولوژی محور و اسلامی را تهدیدی برای بقای خود تلقی می کنند» (مصاحبه شماره ۱۱) «رویکردهای ایدئولوژیک در مواردی به روابطمان با کشورهای منطقه مانند تاجیکستان آسیب زده است» (مصاحبه شماره ۴) «یکی از دلایل برداشت منفی کشورهای این منطقه از ایران، به واسطه تصویری است که آن ها از ایدئولوژی محوری ما داشته اند» (مصاحبه شماره ۱۱)

تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج: راهبردهای سیاست‌گذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

نقاط قوت

جلوگیری از درگیری نظامی مستقیم و مدیریت نسبی بحران‌های پیرامونی با تأکید بر حضور کشورهای منطقه‌ای

وضعیت شکننده ترتیبات امنیتی در مجموعه‌های امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در کنار درگیری‌های حل نشده‌ای مانند مسئله اوستیای جنوبی، آبخازیا و قره‌باغ کوهستانی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به اتخاذ استراتژی‌های متنوع برای پیشبرد منافع منطقه‌ای خود و جلوگیری از تهدیدات امنیتی سوق داده است. در میان این قدرت‌ها، استراتژی ایران از دهه ۱۹۹۰ بر حفظ وضع موجود در قفقاز جنوبی و در عین حال تقویت ابتکارات محلی با هدف حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای متمرکز بوده است، منطق پشت تأکید تهران بر ماهیت محلی توافقات احتمالی، ناشی از نگرانی آن از دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که نگران این بوده که تنش‌ها بین طرف‌های درگیر را افزایش دهد و به طور بالقوه منجر به سرایت بی‌ثباتی به خاک ایران شود (Golmohammadi and Azizi, 2025: 1-14). در طول جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰، رهبر ایران، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای نیز، بر اهمیت پایان دادن به جنگ و حفظ حقوق هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان تأکید کردند.^۱ در همین مورد همچنین شایان ذکر است که «آیت‌الله خامنه‌ای روز یازدهم مهرماه ۱۴۰۰، در ارتباط تصویری با دانشجویان دانشگاه افسری امام حسین علیه‌السلام، نکات مهمی را در ارتباط با حوادث کشورهای همسایه شمال غربی ایران بیان کردند، ایشان با تأکید بر اینکه همه باید سعی کنند که ارتش‌ها را مستقل، متکی به ملت‌ها و هم‌افزای با ارتش‌های دیگر همسایگان و دیگر ارتش‌های منطقه قرار بدهند، فرمودند: «این حوادثی هم که در شمال غربی کشور ما، در بعضی همسایه‌ها در جریان است، چیزهایی است که بایستی با همین منطق حل بشود. البته کشور ما و نیروهای مسلح ما، با عقلانیت عمل می‌کنند. در همه مسائل، شیوه، شیوه عقلانیت است-اقتدار همراه با عقلانیت- و دیگران هم خوب است با عقلانیت عمل بکنند و نگذارند که این منطقه دچار مشکلی بشود» متعاقباً رزمایش عظیم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در شمال غرب کشور با نام خیبر برگزار شد، به‌عنوان یک اقدام بازدارنده موجب تقویت امنیت منطقه و تجدید نظر در رویکردهای همسایگان ایران شد» (مراجعه شود به: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=50682>). این موارد ناظر بر رویکرد کلی ایران برای حفظ ثبات در مناطق پیرامونی خود از طریق مدیریت بحران و تأکید بر عقلانیت و با ساز و کارهای درون منطقه‌ای بوده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته تا در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تا جای ممکن مسائل و منافع خود را به شیوه‌ای غیر تنش‌زا پیگیری نموده و بحران‌هایی مانند تعارضات ارمنستان و آذربایجان را به‌صورت دیپلماتیک مدیریت کند» (مصاحبه شماره ۳).

کنترل نسبی مرزهای شرقی، شمال شرقی و شمال غربی

منطق ژئوپلیتیک مرز حکم می‌کند که حفاظت، حراست و پاسداری از مرزهای کشور به‌عنوان یک ارزش اساسی در راستای اعمال حق حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی در کانون سیاست‌گذاری و سیاست راهبردی قرار گیرد؛ این امر راهبردی بدون داشتن مدیریت مرزها و وجود مرزهای امن که آحاد جامعه و کشور بویژه مرزنشینان در آن احساس آرامش کرده، ممکن نخواهد بود و در همین راستا، وجود کانون‌های ناامن ساز و ضد امنیتی در درازای مرزهای ایران با همسایگانش، نگرانی‌هایی برای مرزنشینان، دولت مرکزی و دست‌اندرکاران امور مرزی فراهم کرده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). اهمیت کنترل کاربردی

۱. برای مثال مراجعه شود به: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46775>

در حوزه مرزی به مسائل متعددی از جمله قاچاق نیز مربوط می‌شود. در حالی که وضعیت مبارزه با قاچاق کالا و ارز میان ایران و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با چالش‌های متعددی چون مرزهای پرگذرگاه، فساد اداری، ضعف اجرای قانون، نبود هماهنگی میان مقام‌های مربوط و محدودیت منابع برای نظارت و اجرای مؤثر رو به رو بوده است (مرشدی و عقیقی، ۱۴۰۳: ۳۴۲)، با این حال در حوزه کنترل سخت مرزی، رویکرد ایران تا اندازه‌ای قابل قبول بوده است. ایران یکی از معدود کشورهای منطقه است که توانسته کنترل نسبتاً پایداری بر مرزهای پرریسک (به‌ویژه مرزهای شرقی و شمال‌شرقی) داشته باشد. در همین راستا، تجربه عملیاتی گسترده در مقابله با قاچاق مواد مخدر، گروه‌های مسلح و تهدیدات فرامرزی، سرمایه امنیتی مهمی برای ایران ایجاد کرده است که عمده‌تاً ناظر بر ابعاد سخت امنیت می‌باشند (برای مثال مراجعه شود به: شریعتی و سابقی‌نژاد: ۱۴۰۱: ۲۲۳-۲۰۸). در یک تحلیل کلی باید گفت که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ناشی از افغانستان و آسیای مرکزی در حوزه مرزی، سیاستی مبتنی بر امنیتی‌سازی مرزها و کنترل سخت مرزی را در پیش گرفته است. تقویت نیروها و تسلیحات در مرزبانی، استفاده از نیروهای نظامی مجرب، بهره‌گیری ترکیبی از ظرفیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی در حوزه مرزی و عملیات‌های مداوم ضد قاچاق و مقابله با قاچاقچیان، افزایش توان مرزبانی و استفاده از فناوری‌های نظارتی شامل سامانه‌های پایش، موانع امنیتی، گشت‌های ارتش و سپاه، و همکاری‌های اطلاعاتی موجب شده است که تا حد ممکن، تهدیدات فرامرزی (به‌ویژه در حوزه‌های قاچاق مواد مخدر، نفوذ گروه‌های مسلح، ناامنی‌های مرزی) به سطح بحران در حوزه امنیت داخلی ارتقا و نفوذ پیدا نکنند. اگرچه حجم قاچاق و تهدیدات همچنان بالاست، اما توان مهار و کنترل ایران نسبت به بسیاری از کشورهای مسیر ترانزیت بالاتر بوده است. این امر نشان‌دهنده کارآمدی نسبی سیاست امنیت‌سخت^۱ در حوزه مرزی به‌ویژه در شرق و شمال‌شرق کشور است. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «با وجود مرزهای وسیع زمینی و دریایی مشترکمان با آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و چالش‌هایی که این مسئله ایجاد می‌کند، امنیت مرزی و مدیریت چالش‌های آن قابل قبول بوده است» (مصاحبه شماره ۱).

همکاری‌های امنیتی با روسیه

در تحلیلی کلان‌نگر، موقعیت روسیه به‌عنوان قدرت بزرگ در نظام متحول بین‌المللی و در تحلیلی میانی، تقابل جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی، متغیرهای مهمی در تعیین جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران و رویکرد نگاه به شرق آن هستند (سلیمانی‌پور لک، ۱۴۰۴: ۲۰۳). مجموعه این موارد این انگاره را در ذهن نخبگان سیاسی ایران به‌وجود آورده که همکاری و همسویی امنیتی با روسیه احتمالاً می‌تواند تا حدودی منافع مورد نظر نخبگان ایرانی را به‌ویژه در مقابله با محور غرب، محقق سازد. در چند دهه اخیر و به‌ویژه بازه مورد بررسی، ایران همکاری امنیتی خود با روسیه را به‌طور محسوسی گسترش داده است. این همکاری شامل هماهنگی سیاسی، همکاری‌های نظامی، و همسویی در مخالفت با نظم امنیتی غرب‌محور بوده است، چرا که هر دو کشور نسبت به نفوذ آمریکا و ناتو در مرزهای خود حساس بوده و نگرانی‌های امنیتی مشترکی در این باره داشته‌اند. همچنین شایان ذکر است که، مسکو و تهران هر دو از گسترش طرح‌هایی مانند کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب از طریق قفقاز جنوبی حمایت می‌کنند، پروژه‌ای که می‌تواند در دور زدن تحریم‌ها و مقابله با مسیرهای ترانزیتی رقیب به آن‌ها کمک کند.

در محیطی که ایران با تحریم و فشار غرب مواجه است، روسیه در مواقعی به‌عنوان ضامن نسبی موازنه ژئوپلیتیکی به‌ویژه در مناطقی مانند آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی عمل کرده است. این همکاری‌ها به ایران این امکان را داده که در برخی پرونده‌ها (از جمله قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی) از انزوای کامل جلوگیری کند، هرچند این موضوع هزینه‌هایی نیز در پی داشته است. با این وجود و با توجه به تمامی موارد، یک نکته ظریف وجود دارد که نباید از نظر دور داشت و آن عدم توازن در همکاری با روسیه است؛ ایران در حقیقت عموماً به عنوان شریک سطح پایین‌تر دیده می‌شود و روسیه همچنان آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را حیات خلوت

1. Hard Security

خود می‌داند و ممکن است در بزنگاه‌هایی (مانند معاهدات گازی یا کریدورهای خاص یا سایر معادلات سیاسی و امنیتی بین‌المللی و منطقه‌ای)، به منظور نیل به اهداف و منافع خود، منافع ایران را فدای توافقی با قدرت‌های دیگر کند. در حقیقت باید گفت که توسعه و درپیش گرفتن روابط راهبردی در عرصه سیاست خارجی از مهم‌ترین رویکردهای کنش‌گرایانه دولت‌ها برای تأمین منافع ملی آنان در سطح‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است و روابط کشورها را دست‌خوش تغییر می‌کند و در همین راستا، روابط ایران و روسیه در چهار دهه گذشته، با تغییرهای فراوانی همراه بوده است و با وجود همکاری‌های قابل توجه در حوزه‌های ژئوپلیتیک و با وجود درهم‌تنیدگی روابط ایران و روسیه در بسیاری از حوزه‌ها و همکاری‌های گسترده در موضوع‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، چالش‌های ساختاری، سیاسی و اقتصادی، از جمله رقابت در حوزه انرژی، تحریم‌های اقتصادی و بی‌اعتمادی، مانع دستیابی به روابط راهبردی میان دو کشور شده است (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۳: ۱۲۵). با این حال، در مجموع و با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و چالش‌های ناظر بر روابط ایران و روسیه، می‌توان همکاری‌های امنیتی با روسیه را از جمله نقاط قوت سیاست‌داری امنیتی ایران در مناطقی مانند آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نظر گرفت. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران نقش سنتی روسیه را در آسیای مرکزی و قفقاز به طور نسبی پذیرفته و تلاش داشته تا رویکردش در این منطقه بر ضد منافع روسیه نباشد و با آن هم‌سوپی ایجاد کند» (مصاحبه شماره ۷).

منطقه‌گرایی و حضور نهادی در سازوکارهای منطقه‌ای

ایران، در چارچوب راهبرد خود اتکایی امنیت منطقه‌ای، همواره مخالف مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قفقاز (و آسیای مرکزی) به عنوان یکی از مهمترین عوامل و منابع ناامنی خود و منطقه بوده و در جهت مقابله با آن‌ها اقدام کرده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۸۴-۲۸۳). در همین راستا، ایران تلاش داشته تا مسائل ناظر بر این مناطق را در ارتباط با بازیگران همین منطقه و در چارچوب ساز و کارهای درون منطقه‌ای حل و فصل کند. در سوی دیگر، تعمیق روزافزون آثار ناشی از جهانی شدن سبب شده تا کشورها کسب دستاوردهای اقتصادی را از رهگذر نگاه منطقه‌گرایانه و ظرفیت‌های ناشی از آن دنبال کنند، اهمیت اقتصادی منطقه آسیای مرکزی همچون نفت و گاز، خطوط لوله، کالاهای و بازار مصرفی و صنایع مونتاژ و تأثیرگذاری سازمان همکاری شانگهای بر روندهای این منطقه سبب شده تا دیپلماسی اقتصادی ایران ناگزیر از توجه به آن باشد (ارغوانی پیرسلامی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸۳). عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، بریکس و تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ظرفیت‌هایی برای همکاری‌هایی امنیتی چندجانبه، مبارزه با تروریسم، مبادلات اقتصادی و ایجاد وابستگی اقتصادی و افزایش مشروعیت منطقه‌ای ایجاد کرده است. هرچند این نهادها کارکرد اجرایی محدودی دارند، اما حضور ایران در آنها مانع حاشیه‌راندن شدن کامل تهران در نظم امنیتی اوراسیا شده است. در این بین عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای یک نقطه عطف امنیتی به‌شمار می‌آید و می‌تواند عرصه‌ای برای حضور ایران در ساز و کارهای جمعی منطقه‌ای و ابزاری جهت موازنه‌سازی در برابر تهدیدها به‌شمار بیاید. در پژوهشی که با هدف ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های سازمان همکاری شانگهای برای ایران به انجام رسیده است، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که ایران با فرصت‌های متعددی روبه‌رو است که از جمله آن‌ها می‌توان به تقویت وابستگی متقابل، مقابله با تأثیرهای هژمونیک جهانی، مبارزه با افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر و تغییر در سازوکارهای امنیتی اشاره نمود (حاجی‌یوسفی و شیرخانی، ۱۴۰۴: ۸۵). سازمان همکاری شانگهای همچنین فراتر از یک سازمان می‌تواند نقش مهمی در دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه آسیای مرکزی داشته باشد و این امر در گرو شناخت ظرفیت‌ها و تقویت آنها و واکاوی چالش‌ها و کاهش آثار آنهاست (ارغوانی پیرسلامی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸۳). در خصوص اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز باید گفت که اگرچه ماهیت این اتحادیه، اقتصادی است، با این حال می‌تواند با ایجاد وابستگی متقابل در سطوح گوناگون امنیتی و سیاست‌گذاری امنیتی، به یک نقطه قوت برای ایران مبدل شود. در همین حوزه، اشاره به ساز و کار ۳+۳ (ایران، روسیه، ترکیه و سه کشور قفقاز جنوبی) که برای حل بحران‌های میان باکو و ایروان به‌وجود آمده و مقامات ایرانی بارها بر آن تأکید کرده‌اند نیز قابل

اشاره است. قصد ایران از تأکید بر این گونه نهادها و ساز و کارها، تلاش جهت حل و فصل درون منطقه‌ای بحران‌ها و جلوگیری از اعمال قدرت و آراده قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و اروپا بوده است. دل این نقاط قوت، چالش‌هایی نیز وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان سایه تحریم بر نهادها اشاره نمود. حضور نهادی ایران در نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه اوراسیا یا سازمان‌هایی مانند شانگهای زمانی به قدرت واقعی تبدیل می‌شود که زیرساخت‌های بانکی و مالی ایران (مانند اتصال شتاب به میر روسیه) بتواند تحریم‌ها را دور بزند. تا زمانی که پیوند اقتصادی ضعیف باشد و سایه تحریم‌ها سنگینی کند و تحریم‌ها اثرگذاری فعال داشته باشند، حضور نهادی بیشتر جنبه سیاسی-نمادین خواهد داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «تلاش جمهوری اسلامی ایران برای حضور و ایفای نقش در ساز و کارهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و یا حتی ساز و کار ۳+۳ را می‌توان از جمله نقاط قوت سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نظر گرفت» (مصاحبه شماره ۳)

دیپلماسی نسبتاً متوازن و میانجی‌گرانه منطقه‌ای

به‌طور کلی باید گفت که یکی از ویژگی‌های مثبت و کلی سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ناظر بر دیپلماسی نسبتاً متوازی است که ایران در این مناطق و به‌ویژه در رابطه با منازعات و تنش‌های درون منطقه‌ای اتخاذ کرده است. بر همین اساس، ایران در قفقاز جنوبی کوشیده است تعادل میان آذربایجان و ارمنستان را حفظ کند و هم‌زمان روابط خود با روسیه را به‌عنوان بازیگر مسلط منطقه مدیریت نماید. این سیاست، هرچند ایران را به بازیگر تعیین‌کننده تبدیل نکرده و نقدهای گوناگونی در حوزه‌های مختلف به آن وارد است، اما از حذف کامل تهران از معادلات منطقه‌ای و درگیر ساختن مستقیم ایران در تنش‌های این منطقه جلوگیری کرده است. همچنین ایران با حفظ و تأکید بر روابط اقتصادی و ترانزیتی با ارمنستان و هم‌زمان تلاش برای کاهش تنش با باکو، نوعی موازنه حداقلی ایجاد کرده است، این موازنه برای جلوگیری از تسلط کامل محور ترکیه-آذربایجان-اسرائیل بر قفقاز جنوبی اهمیت داشته و می‌توان کلیات این راهبرد را حداقل در تئوری و روی کاغذ، از جمله نقاط مثبت سیاستگذاری امنیتی ایران به‌شمار آورد. در همین راستا یکی دیگر از ویژگی‌های رویکرد ایران در منطقه، رویکرد میانجی‌گرانه ایران است که در این راستا می‌توان به تأکید ایران بر حل اختلافات از طریق قالب ۳+۳ یعنی ۳ کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان و ۳ کشور منطقه (ایران، روسیه و ترکیه) بدون دخالت قدرت‌های خارجی اشاره نمود (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲/۷/۱۲). میانجیگری (در کنار منطقه‌گرایی) به عنوان ساز و کار و ابزاری برای حل و فصل مسالمت آمیز منازعات و مدیریت بحران، یک عنصر و مؤلفه راهبرد امنیتی ایران در قفقاز جنوبی بوده است و ایران از ابتدای تأسیس جمهوری‌های قفقاز تا کنون تلاش کرده است تا به‌طور کلی یک نقش یک میانجی و واسطه را در حل و فصل منازعات و مناقشات منطقه‌ای ایفا کند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۸۳). از دیگر جلوه‌های پیگیری این دست از رویکردهای متوازن این بار در آسیای مرکزی، می‌توان به راهاندازی خط تولید و کارخانه پهپادهای ایرانی ابابیل ۲ در تاجیکستان (سال ۱۴۰۱) اشاره نمود که در همین خصوص سرلشکر محمد باقری رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح ایران در گفتگوی تلفنی با اشاره به فروش پهپادهای ابابیل ۲ به تاجیکستان بیان داشت که نیروهای مسلح ایران همواره در خصوص عدم استفاده از آن‌ها در مناقشات بین دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان تأکید دارند (پایگاه خبری بین‌المللی شفقنا، ۱۴۰۱/۸/۱۸). در حقیقت ایران با اینگونه اقدامات تلاش داشته تا در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای و همسایگی به‌ویژه در رابطه با منازعات درون منطقه‌ای، با اتخاذ یک موضع هوشمندانه، در عین اتخاذ بی‌طرفی، به نقش‌آفرینی مثبت و موثر برای ارتقای موقعیت خود نیز بپردازد. در مجموع، با وجود نقدهایی که حتی به این رویکرد نیز وارد است، این دست از موضع‌گیری‌ها و اقدامات را که در ذیل دیپلماسی متوازن ایران بایستی در نظر گرفت، می‌توان از جمله نکات و جلوه‌های مثبت سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نظر گرفت. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «تلاش جمهوری اسلامی ایران در مجموع بر این بوده تا یک رابطه متوازن با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برقرار کند و رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای در

مسائلی مانند قره‌باغ گویای این مسئله است که هم از حاکمیت آذربایجان بر قره‌باغ حمایت کرد هم از حقوق ارامنه در این منطقه» (مصاحبه شماره ۵)

ادراک و امنیتی‌سازی نسبتاً قابل قبولِ خطرات ترانزیتی و ژئواکونومیکی

در مطالعات امنیتی، ادراک تهدید یک مفهوم اساسی است، زیرا به شناخت و ارزیابی افراد از محیط امنیتی مربوط می‌شود و بر رفتارها و تصمیمات امنیتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، تحقیقات در مورد اندازه‌گیری و تبیین ادراک تهدید هم ارزش نظری دارد و هم شامل کاربردهای اساسی برای افزایش آگاهی عمومی و خصوصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی است (Tu and others, 2024). در حقیقت ادراک متناسب تهدید و امنیتی‌سازی تهدیدات را بایستی از جمله مهم‌ترین و مبنایی‌ترین مراحل و عوامل یک سیاست‌گذاری امنیتی عقلانی در نظر گرفت. در همین راستا، از جمله مواردی که می‌توان آن را در زمره نقاط مثبت سیاست‌گذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نظر گرفت، ادراک نسبتاً درستی است که نخبگان ایرانی از خطرات امنیتی ترانزیتی و ژئواکونومیکی مانند کریدور زنگزور، کریدور میان‌ی و... داشته‌اند. این مسئله در گفتارها، نوشتارها و موضع‌گیری‌های مقامات رسمی ایران بارها تکرار شده و قابل مشاهده بوده است. در همین راستا می‌توان به اظهارات مهدی سبحانی، سفیر ایران در ارمنستان اشاره کرد که با اعلام مخالف قاطع ایران با کریدور زنگزور تأکید کرد که ایران از مواضع قاطع خود در قبال موسوم به «کریدور زنگزور» عقب نشینی نخواهد کرد و درباره هیچ معامله‌ای در این زمینه مذاکره نخواهد کرد، همچنین او افزود «برخی کشورها با ادعای عقب‌نشینی ایران از موضع خود در این زمینه، تلاش می‌کنند شبهه ایجاد کنند. این موضوع به امنیت ما مربوط می‌شود. ما در مسائل مربوط به امنیت ملی خود ثابت قدم می‌مانیم، این موضع ماست - آن را با سایر کشورها مقایسه کنید، اگر همسو نشدند، با آن کشور اختلاف نظر داریم، برای ما منافع کشورمان در اولویت است» (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۳/۱۱/۱۸). شایان ذکر است که مقامات ارشد ایران از جمله ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت و آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این مورد موضع‌گیری نموده‌اند. رئیسی در دیدار با مشاور امنیت ملی ارمنستان و نماینده ویژه رئیس‌جمهور آذربایجان، در هر دو دیدار تأکید کرد که «کریدور زنگزور بستر حضور ناتو در منطقه و تهدیدی ضد امنیت ملی کشورهاست که جمهوری اسلامی قاطعانه با آن مخالفت می‌کند» (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲/۷/۱۲). آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی نیز، در تاریخ ۲۸ تیر ۱۴۰۱ در دیدار با اردوغان، با ابراز خرسندی از بازگشت قره‌باغ به آذربایجان، فرمودند: «اگر سیاستی مبنی بر مسدود کردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد؛ چراکه این مرز، یک راه ارتباطی چند هزار ساله است» ایشان همچنین در دیدار آقای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز گفتند: «جمهوری اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که منجر به بسته شدن مرز ایران و ارمنستان شود، هرگز تحمل نخواهد کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۴/۲۸). همچنین شایان ذکر است که ایران تلاش کرده است تا با تأکید بر موقیت ویژه ژئوپلیتیکی خود، نقش خود را به عنوان مسیر ترانزیت شمال-جنوب و شرق-غرب تقویت کند و در این مورد پروژه‌هایی نظیر کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، بندر چابهار، و ارتباط با روسیه و هند بخشی از تلاش‌های ایران برای تثبیت نقش ژئواکونومیکی خود بوده و هستند، اگرچه رقابت برخی عوامل مانند کریدورهای جایگزین و رقیب، تحریم‌ها، فشارهای ساختاری و.. مانع از توسعه کامل ظرفیت‌های آن شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «موضع‌گیری مسئولان جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که حداقل در حوزه ادراکی برخی تهدیدات مانند تهدیدات مربوط به ترانزیت و کریدورها مانند کریدور زنگزور به درستی ادراک و امنیتی‌سازی شده اند» (مصاحبه شماره ۹).

نقاط ضعف و عوامل آسیب‌زا در سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

ضعف هماهنگی و عدم اجماع (نهادی و گفتمانی)

نتایج مصاحبه‌ها، مطالعه آثار مرتبط و تحلیل مجموعه داده‌ها نشان می‌دهد که مسئله ضعف هماهنگی و عدم اجماع نهادی، یکی از مهم‌ترین موارد آسیب‌زا نه فقط در حوزه سیاستگذاری خارجی و امنیتی، بلکه در کلیت حاکمیت و سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران بوده است. در همین راستا، شایان ذکر است که در حوزه سیاستگذاری امنیتی، این عوامل می‌توانند تهدیدات جدی‌ای را برای کشور به همراه داشته و امنیت ملی را با چالش‌های متعددی مواجه سازند. به عنوان مثال پژوهشی که به منظور آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم‌نئوکلاسیک صورت گرفته، «عدم اجماع بر سر سیاست خارجی بهینه»، به عنوان یکی از مهم‌ترین موارد چالش‌زا مورد تأکید واقع شده است (مراجعة شود به: شجاعی، ۱۴۰۴: ۷-۳۰). در سطح ساختاری، برخی تحولات آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی؛ از تضعیف هژمونی روسیه در این مناطق گرفته تا افزایش نقش بازیگران میانی مانند ترکیه، به وضوح پیامدهای امنیتی برای ایران داشته‌اند. اما در سطح داخلی، این فشارهای ساختاری به طور مؤثر به سیاست منسجم ترجمه نشده‌اند. یکی از دلایل اصلی و مهم این امر، تفاوت ادراک‌تهدید میان نخبگان و نهادهای تصمیم‌گیر بوده است. برخی نهادها و برخی نخبگان این مناطق را حوزه نفوذ طبیعی و کم‌خطر تلقی کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر آن‌ها را تهدیدی بالفعل برای عمق راهبردی ایران دانسته‌اند. این ناهمگونی ادراکی، که رئالیسم نئوکلاسیک آن را یکی از عوامل اصلی ناکارآمدی سیاست خارجی می‌داند، مانع از شکل‌گیری اجماع راهبردی شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «چند دستگی نهادی و عدم وجود ساز و کاری برای هماهنگی نهادی گاهی باعث شده اند که مسائل این منطقه به‌شیوه‌های متفاوتی ادراک شوند، مثلاً جنگ دوم قره‌باغ به‌شیوه‌های متفاوتی از سوی مجموعه‌های امنیتی، بخش‌هایی از دولت و دفاتر امام جمعه ادراک شد که آسیب‌هایی نیز در پی داشته است این موضوع» (مصاحبه شماره ۲).

نگاه عمدتاً تک بُعدی به مقوله امنیت و امنیتی‌سازی غیرهوشمندانه از تهدیدات امنیتی

در قلب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دیالکتیک مداومی بین آرمان‌های انقلابی و الزامات عمل‌گرایانه دیکته شده توسط نظام بین‌المللی نهفته است (Mir and Baghat, 2025: 103). با این حال و در مجموع به نظر می‌رسد که نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با تحولات امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نشان‌دهنده نوعی امنیتی‌سازی غیرهوشمندانه، تک‌بعدی و عمدتاً واکنشی بوده است؛ رویکردی که بیش از آن که مبتنی بر درک چندسطحی از مفهوم امنیت باشد، بر قرائتی محدود و سخت‌افزارمحور از تهدیدات تکیه داشته و در نتیجه، از توجه کافی به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، هویتی و نهادی امنیت بازمانده است. این الگوی امنیتی‌سازی نه تنها کارآمدی سیاست خارجی و امنیتی ایران را کاهش داده، بلکه در مواردی خود به عاملی برای تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران تبدیل شده است. امنیتی‌سازی زمانی غیرهوشمندانه تلقی می‌شود که یک بازیگر سیاسی، تهدیدات را بدون اولویت‌بندی دقیق، بدون تفکیک میان تهدیدات کوتاه‌مدت و ساختاری، و بدون در نظر گرفتن ابزارهای متنوع مواجهه با آن‌ها، به حوزه امنیت ملی منتقل کند. در مورد ایران، بخش قابل توجهی از تحولات آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی عمدتاً از دریچه تهدیدات ژئوپلیتیکی و نظامی نگریسته شده است؛ در حالی که واقعیت امنیت در این مناطق، به طور فزاینده‌ای چندبعدی، شبکه‌ای و درهم‌تنیده با اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی است. یکی از جلوه‌های اصلی این تک‌بعدی بودن، غلبه نگاه ژئوپلیتیکی-سرزمینی بر سایر ابعاد امنیت است. تمرکز مفرط بر تغییرات مرزی، در برخی موارد کریدورها، حضور بازیگران خارجی یا تحرکات نظامی، باعث شده ایران کمتر به فرآیندهای عمیق‌تری مانند بازآرایی اقتصادی منطقه، سیاست‌های هویتی کشورهای دیگر، تغییر الگوهای وابستگی متقابل، شکل‌گیری نظم‌های نهادی جدید و... توجه کند. در نتیجه، امنیتی‌سازی ایران و به طور کلی سیاستگذاری امنیتی

ایران بیشتر به اعتراض به پیامدها محدود شده تا اینکه به مدیریت ریشه‌های تهدیدات و مهار آن‌ها بپردازد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «نگاه ما به امنیت، یک نگاه سنتی بوده و همین مسئله باعث شده بسیاری از تهدیدات در سایر حوزه‌ها مثل نفوذ هویتی ترکیه در قالب ایده پان‌ترکیسم و یا حتی مسائل زیست‌محیطی در حوزه آبی دریای خزر به درستی و به صورت کافی ادراک نشوند» (مصاحبه شماره ۱)

فقدان استراتژی امنیتی یکپارچه و جامع

یکی از بنیادی‌ترین نقاط ضعف سیاست‌گذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به‌ویژه در بازه مورد بررسی پژوهش حاضر، نبود یک استراتژی امنیتی کلان، منسجم و فرادولتی بوده است. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در این دو منطقه اغلب دولت‌محور، مقطعی و واکنشی بوده‌اند و کمتر نشانه‌ای از یک راهبرد امنیتی منسجم بلندمدت که مستقل از تغییر دولت‌ها استمرار یابد و در خدمت منافع و امنیت ملی باشد، مشاهده می‌شود. این وضعیت باعث شده تا رفتار ایران در برابر تحولات راهبردی منطقه، عمدتاً واکنشی، ناهماهنگ و بعضاً متناقض باشد. سیاست ایران نسبت به قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی در دولت‌های مختلف دچار نوسان مفهومی بوده است به‌گونه‌ای که گاه تأکید بر پیوندهای فرهنگی-تمدنی صورت گرفته، گاه تمرکز بر همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی تأکید شده و گاه امنیت‌محوری با رویکرد سخت آن مدنظر بوده است و به‌نظر می‌رسد که هیچ‌کدام از این رویکردها در قالب یک چارچوب منسجم و پیوسته تلفیق نشدند. در حقیقت باید گفت که اگرچه این مناطق از نظر تاریخی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی و امنیتی پیوندهای عمیقی با امنیت ملی ایران دارند، اما سیاست ایران نسبت به آن‌ها بیشتر مقطعی، واکنشی و پراکنده بوده و کمتر مبتنی بر یک چارچوب راهبردی بلندمدت استوار بوده است. نمونه بارز این مسئله، در مولفه‌های اقتصادی امنیت کاملاً آشکار است. به‌گونه‌ای که تنها در یک نمونه، با وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، ارزش صادرات ایران به ترکمنستان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ حالت صعودی داشته است. در سال ۲۰۱۵ در تأثیر مسائل دو جانبه و اختلاف‌های گمرکی، ارزش صادرات ایران به این کشور کاهش یافته است و در سال ۲۰۱۶ با وجود تصویب برجام، متأثر از اختلاف بر سر قیمت انرژی این رقم روند نزولی خود را طی کرد، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۸ قبل از خروج آمریکا از برجام، به پایین‌ترین میزان خود در سال‌های اخیر یعنی حدود ۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافت (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۵). به‌نظر می‌رسد به جای عامل تحریم، نداشتن اراده سیاسی، وجود مسائل دوجانبه و گسترش روابط اقتصادی از دلایل محدودیت روابط اقتصادی و تجاری ایران و این کشورها می‌باشد. مجموعه عامل‌هایی مانند ملاحظات ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک زمینه‌ساز اثرگذاری کم تحریم‌های آمریکا بر روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۵). در حقیقت این موارد ناظر بر این مسئله هستند که یک استراتژی امنیتی یکپارچه، جامع و چند بُعدی در رابطه با آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی از سوی نخبگان جمهوری اسلامی ایران یا وجود نداشته است و یا پیگیری و اجرایی نشده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «واقعیت این است که در عمل یک برنامه یا یک سند جامع که روشن کند چه منافعی را باید در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی پیگیری کنیم و هدفگذاری مشخصی در این حوزه نداشته‌ایم» (مصاحبه شماره ۱).

کم‌توجهی به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به‌واسطه تمرکز جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه

منطقه خاورمیانه (غرب آسیا)، به‌واسطه شرایط منحصربفرد ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر، همواره از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوده که با نقش‌آفرینی همزمان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گوناگون، عوامل متعدد و چندگانه‌ای به‌صورت پیچیده و چندلایه، بر پویایی‌های آن و بر ترتیبات و ساختار امنیتی آن اثرگذار بوده‌اند. از این رو، هرکدام از بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای توسعه نفوذ و حضور در خاورمیانه به رقابت پرداخته و درصدد دستیابی به منافع و اهداف خاص خود در منطقه بوده و هستند (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴). در همین راستا، سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از جالب‌ترین موضوعات برای محققان و متخصصانی بوده که با منطقه خاورمیانه سروکار دارند (Osiewicz, 2020). تمرکز سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه، به‌ویژه در دو دهه اخیر، یکی از ویژگی‌های پایدار و اساسی افعال امنیتی و سیاست‌ خارجی ایران بوده است. این تمرکز عمدتاً معطوف به پرونده‌هایی چون عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و در چارچوب دشمن‌ انگاری و مقابله با اسرائیل و ایالات متحده بوده است. هرچند که قطعاً توجه به مسائل خاورمیانه با توجه به جایگاه و موقعیت ایران در آن، در چارچوب برخی ملاحظات راهبردی قابل فهم است، اما توجه به خاورمیانه به‌ویژه با اولویت مقابله و موازنه در برابر آمریکا و اسرائیل، آسیب‌هایی را متوجه ایران نموده و به‌ویژه موجب کاهش توان و کم‌توجهی ساختاری به مناطق مهمی همچون آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی شده است؛ مناطقی که از حیث ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و هویتی برای امنیت ملی ایران اهمیت حیاتی دارند. این عدم توازن منطقه‌ای در سیاستگذاری امنیتی، در عمل آسیب‌ها و هزینه‌های قابل توجهی برای ایران به همراه داشته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: عمده تمرکز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به خاورمیانه و مسائل مربوط به این منطقه و تلاش جهت مقابله با رویکردهای آمریکا و اسرائیل در این منطقه بوده و توجه متوازنی به سایر مناطق از جمله آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی صورت نگرفته است» (مصاحبه شماره ۹).

تأثیرات منفی رویکردهای ایدئولوژی محور در سیاست خارجی و امنیتی ایران

اگرچه ایدئولوژی می‌تواند به عنوان منبع هویت بخش، بسیج کننده و مشروعیت ساز در سیاست خارجی و سیاستگذاری امنیتی عمل کند، اما غلبه آن بر محاسبات واقع گرایانه و ملاحظات راهبردی، در عمل پیامدهای منفی قابل توجهی برای کارآمدی سیاست امنیتی به همراه خواهد داشت. در حقیقت در محیط سیاست بین الملل که عدم قطعیت در آن عنصری غالب است، نظام ادراکی تحلیل مسائل، نمی‌تواند بر مبنای گزاره‌ها و انگاره‌های محدودیت زای ایدئولوژیک صورت بگیرد (شجاعی و سیمبر، ۱۴۰۴: ۲۸۴). در سیاست خارجی و سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، این پیامدها به‌ویژه در تعامل ایران با محیط‌های پیرامونی و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، از جمله آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، آشکارتر شده‌اند. زمانی که تهدیدات بر اساس معیارهای هنجاری تعریف می‌شوند، تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی یا فناورانه ممکن است دست کم گرفته شوند و این امر، ظرفیت سیاست امنیتی برای مدیریت ریسک‌های واقعی و بلندمدت را کاهش داده و امکان شکست اطلاعاتی و غافلگیری‌های استراتژیک را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال و در راستای مطالب گفته شده، بیان شده است که در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با وجود تشدید تحریم‌های بین المللی و آمریکا علیه ایران از سال ۲۰۱۰ ارزش صادرات ایران به تاجیکستان تا سال ۲۰۱۲ به نسبت حالت صعودی داشته است و تا سال ۲۰۱۴ به نسبت حالت متعادلی را طی کرده است؛ صادرات ایران به این کشور در سال ۲۰۱۵ متأثر از کاهش قیمت جهانی انرژی و مسائل دوجانبه مانند مسائل گمرکی کاهش داشته است، با افزایش تدریجی قیمت انرژی، ارزش صادرات ایران به تاجیکستان در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به نسبت بهبود یافته است، با وجود این، در سال ۲۰۱۸ و قبل از خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های آمریکا، متأثر از مسئله حزب نهضت اسلامی و آمدن محمد کبیری به ایران، ارزش صادرات ایران به تاجیکستان به پایین ترین میزان خود در سال‌های اخیر یعنی ۷۸,۳ میلیون دلار کاهش یافت (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۳). یک مورد دیگر رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ است، به گونه‌ای که سیاست ایران حول کلان روایت «قره باغ خاک اسلام است» شکل گرفت. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران آشکارا از دولت جمهوری آذربایجان حمایت و بر حق جمهوری آذربایجان بر قره باغ تأکید کرد (عباس زاده فتح آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۵) و یک شکست راهبردی را متوجه ایران نمود. این دست از موارد که البته در نوشتارها و پژوهش‌های دیگری نیز به آن اشاره شده، ناظر بر تأثیرات سوء ایدئولوژی بر سیاست خارجی، سیاست امنیتی و امنیت ملی ایران است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «رویکردهای ایدئولوژیک در مواردی به روابطمان با کشورهای منطقه مانند تاجیکستان آسیب زده است» (مصاحبه شماره

۴) همچنین «یکی از دلایل برداشت منفی کشورهای این منطقه از ایران، به واسطه تصویری است که آن‌ها از ایدئولوژی محوری ما داشته‌اند» (مصاحبه شماره ۱۱).

غلبه منطق واکنشی

یکی از ضعف‌های ساختاری و درعین‌حال کمتر بازاندیشی‌شده در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، غلبه منطق واکنش‌محور^۱ بر کنش راهبردی، پیش‌دستانه و برنامه‌ریزی‌شده است. واکنشی بودن افعال سیاست‌گذاری امنیتی در این دو منطقه، نه صرفاً یک خطای مقطعی، بلکه الگویی نسبتاً پایدار بوده که پیامدهای آن به تدریج در قالب کاهش نفوذ، افزایش هزینه‌ها و محدود شدن گزینه‌های سیاستی ایران نمایان شده است. در مورد ایران، بخش قابل توجهی از تحولات کلیدی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، از بازتعریف موازنه قدرت پسا شوروی گرفته تا ظهور کریدورهای جدید و گسترش نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای، زمانی در دستور کار امنیتی قرار گرفته‌اند که عملاً به واقعیت‌های تثبیت‌شده تبدیل شده بودند. به عنوان مثال در قفقاز جنوبی، واکنشی بودن سیاست ایران به‌ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ به وضوح دیده شد. حساسیت ایران نسبت به تغییرات ژئوپلیتیکی و حضور بازیگران جدید، عمدتاً با تأخیر همراه بوده است. این در حالی است که نشانه‌های تغییر موازنه قدرت، سال‌ها پیش از جنگ قابل مشاهده بود. واکنش‌های دیر هنگام، عملاً دست ایران را برای تأثیرگذاری فعال بسته و آن را در موضع دفاعی قرار داد. به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران بعد از تغییرات موازنه قوا متعاقب جنگ ۲۰۲۰ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، به دنبال گسترش روابط امنیتی، سیاسی و اقتصادی با ارمنستان بوده است (رضاپور، ۱۴۰۴: ۱۷۱)، موضوعی که البته نتیجه‌بخش هم نبوده است. در آسیای مرکزی نیز همین الگو تکرار شده است. گسترش نفوذ اقتصادی و نهادی چین، تقویت پیوندهای امنیتی این کشورها با روسیه، و تلاش ترکیه برای نفوذ فرهنگی و زبانی، همگی روندهایی تدریجی بوده‌اند. با این حال، ایران اغلب زمانی به این تحولات توجه نشان داده که فضای مانور به شدت محدود شده است. به جای طراحی راهبردهای بلندمدت برای حضور اقتصادی، فرهنگی و نهادی، واکنش‌ها عمدتاً مقطعی و تاکتیکی بوده‌اند.

عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های اقلیت‌های موجود برای اعمال نفوذ ایران

در ادبیات سیاست‌گذاری امنیتی و سیاست خارجی، استفاده از فرصت‌های پیش‌آمده و ظرفیت‌های موجود برای ایجاد نفوذ اطلاعاتی و در نهایت نفوذ امنیتی یکی از مسائل مهم به‌شمار می‌آید. در این راستا، بهره‌گیری از پیوندهای هویتی، زبانی و فرهنگی فرامرزی به عنوان یکی از ابزارهای نفوذ نرم و ایجاد عمق راهبردی شناخته می‌شود. در این چارچوب، بررسی عملکرد ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف، غفلت ساختاری از ظرفیت اقوام ایرانی‌تبار نظیر تالش‌ها، تات‌ها و فارسی‌زبانان آسیای مرکزی و به‌طور کلی سرمایه‌های هویتی بوده است. استفاده هوشمندانه از این سرمایه‌های هویتی، نه تنها می‌تواند جایگاه رقابتی و موازنه‌ای ایران را در عرصه فرهنگی و تمدنی در مناطق حیاتی مانند قفقاز و آسیای مرکزی ارتقا بخشد، بلکه می‌تواند از طریق ایجاد جذابیت و مشروعیت، به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و تحکیم پایه‌های امنیت ملی در برابر رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه منجر شود. ظرفیتی که در صورت سیاست‌گذاری هدفمند می‌توانست به تقویت موقعیت امنیتی و منطقه‌ای ایران منجر شود (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۶۹). در همین راستا تالش‌ها و تات‌ها به عنوان اقوامی با ریشه‌های زبانی و فرهنگی ایرانی، در جمهوری آذربایجان و بخش‌هایی از قفقاز سکونت دارند و واجد نوعی سرمایه هویتی مشترک با ایران هستند (برای مثال مراجعه شود به: دارا و طالشی، ۱۴۰۴: ۱۹۰-۱۷۱). این سرمایه بالقوه امکان شکل‌دهی به شبکه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی نخبگانی را فراهم می‌کند که می‌توانستند به عنوان کانال‌های غیررسمی نفوذ و تأثیرگذاری ایران در محیط امنیتی قفقاز جنوبی عمل کنند. به‌طور مشابه، فارسی‌زبانان آسیای مرکزی، به‌ویژه در تاجیکستان و بخش‌هایی از ازبکستان (مانند سمرقند و بخارا) و

1. Reactive Policy

بخش‌های جنوب غربی قرقیزستان و دره فرغانه، حامل میراث تمدنی و زبانی ایران‌زمین هستند که می‌توانستند ستون فقرات یک دیپلماسی فرهنگی پایدار و کم‌هزینه برای ایران باشند. با این حال به‌واسطه کم‌توجهی ایران و تلاش سایر دولت‌ها، زبان فارسی به‌طور مشخص در مناطق تاریخی و تمدنی مانند سمرقند ازبکستان رو به تضعیف بوده است (برای مثال مراجعه شود به: رضوانی، ۱۴۰۴: ۱۳۷-۱۶۲). همچنین شایان ذکر است که هم اقوام تالش و تات در قفقاز جنوبی و هم فارسی‌زبانان آسیای مرکزی به‌ویژه در ازبکستان، از سوی دولت‌های حاکم همواره متحمل فشارهای گوناگونی نیز بوده‌اند و ظرفیت قابل قبولی برای سیاستگذاری و اعمال نفوذ برای ایران در این حوزه فراهم بوده است، با این حال چنین موضوعی یا در دستور کار سیاستگذاری امنیتی قرار نداشته و یا اینکه اراده خاصی برای اجرای آن‌ها نبوده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «واقعیت این است که ظرفیت‌های بسیاری در حوزه فرهنگی در این منطقه داشته‌ایم که بهره لازم را از آن نبرده‌ایم» (مصاحبه شماره ۶). همچنین «برخی اقوام از جمله تالش‌ها، تات‌ها و فارسی‌زبانان آسیای مرکزی با وجود پیوندهای فرهنگی با ایران، جایگاه روشنی در سیاستگذاری امنیتی ما نداشته‌اند» (مصاحبه شماره ۸).

نتیجه‌گیری

در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به‌ویژه در بازه زمانی مورد نظر یعنی ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۴، جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته تا با ترکیبی از رویکردها و سیاست‌های امنیتی از جمله بازدارندگی نظامی، مدیریت و تلاش‌های دیپلماتیک، دیپلماسی متوازن در قبال کشورها و منازعات درون منطقه‌ای، همکاری با روسیه، کنترل مرزی و تلاش نسبی برای حفظ جایگاه ترانزیتی، به حفظ امنیت ملی کشور بپردازد. این سیاست‌ها در برخی موارد از جمله جلوگیری از وقوع جنگ‌ها، مدیریت تهدیدات مرزی و تروریستی و حفظ ثبات نسبی از موفقیت‌های برخوردار بوده‌اند. با این حال با یک نگاه عمیق و موسع نسبت به مقوله امنیت ضرورت‌های سیاستگذاری امنیتی باید گفت که در بسیاری از حوزه‌ها، رابطه میان تهدیدات و اقدامات برای پیش‌گیری، مدیریت و یا مقابله با آن‌ها، یک رابطه متوازن متناسب نبوده و تهدیدات متوجه ایران، چالش‌هایی را متوجه امنیت ملی ایران ساخته‌اند. بر همین اساس مواردی از جمله ضعف هماهنگی و عدم‌اجماع (نهادی و گفت‌وگویی) در سیاستگذاری امنیتی، نگاه تک بُعدی به مقوله امنیت و امنیتی‌سازی غیرهوشمندانه از تهدیدات امنیتی، فقدان استراتژی امنیتی یکپارچه و جامع در قبال آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، کم‌توجهی به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به‌واسطه تمرکز جمهوری اسلامی ایران بر خاورمیانه، تأثیرات منفی رویکردهای ایدئولوژی‌محور در سیاست خارجی و امنیتی ایران، امنیتی‌سازی نامتناسب و موازنه ناکافی در برابر تهدیدات و غلبه منطق واکنشی در سیاستگذاری امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از جمله عواملی بوده‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نقاط ضعف سیاستگذاری امنیتی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برشمرد. در انتها باید گفت که ایران از ظرفیت‌های قابل توجه و بی‌بدیلی برای بازتعریف نقش و موقعیت خود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برخوردار است. مسائلی مانند پیوندهای تاریخی و تمدنی، اشتراکات فرهنگی و زبانی، ظرفیت‌های ژئواکونومیک در حوزه انرژی، ترانزیت و تجارت منطقه‌ای، و موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد ایران و... مجموعه‌ای از فرصت‌ها و زمینه‌ها را فراهم می‌آورد که در صورت سیاستگذاری هوشمندانه و یکپارچه، می‌تواند به افزایش حوزه نفوذ، افزایش عمق راهبردی و متعاقباً به ارتقای امنیت ملی کشور منجر شود. بر همین اساس ضروری است تا نخبگان سیاسی و امنیتی ایران با درک ظرفیت‌های این دو منطقه و نسبت ایران با آن‌ها، به بازتعریف منافع ملی و متعاقب آن بازنگری در راهبردهای سیاستگذاری امنیتی ایران پرداخته و باعث بهبود نقش و وزن ایران در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بشوند.

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

1. Abbaszadeh Fathabadi, M. , Moeinabadi Bidgoli, H. and Doosthosseini, M. (2022). Constructivist Analysis of the Turn in Iran's Foreign Policy Towards the Nagorno-Karabakh Crisis (2020). *Central Eurasia Studies*, 14(2), 225-246. doi: 10.22059/jcep.2022.318774.449983 [Persian]
2. Arghavani Pirsalami, F. , Alipour, H. and Amini, H. (2023). Shanghai Cooperation Organization (SCO) and Iran Economic Diplomacy in Central Asia. *Majlis and Rahbord*, 30(113), 383-422. doi: 10.22034/mr.2022.4919.4750 [Persian]
3. Barry Buzan et al., *Security: A New Framework for Analysis* (Lynne Rienner Publishers Inc, 1997).
4. Bhal, John de(2014), *Security: An Essentially Contested Concept?*, *E-International Relations*, available at: <https://www.e-ir.info/2014/08/24/security-an-essentially-contested-concept/>.
5. Dara, J and Taleshi, k. (2025). The Problem of the Talesh and Tat Tribes in Azerbaijan (After the Collapse of the Soviet Union), *Central Asian and Caucasus Studies*, 31(132), 171-190. [Persian]
6. Dehshiri, M. R. and Qafouri, M. (2016). Strategic Requirements of Islamic Republic of Iran towards the new Middle Eastern Policies of USA. (e13357). *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(12), 175-193. [Persian]
7. Ebrahimi, M. , Navakhti Moghaddam, A. and Osuli, G. (2020). The Determinative Factors of Iran's Relation with the Central Asian Republic from Political Economy Perspective (Case Study: Turkmenistan and Tajikistan). *Central Eurasia Studies*, 13(2), 325-344. doi: 10.22059/jcep.2020.301612.449922 [Persian]
8. Golmohammadi, V., & Azizi, H. (2025). A Status Quo Power in a Changing Region: Iran's Regionalism in the South Caucasus. *Nationalities Papers*, 1–14. doi:10.1017/nps.2025.10084.
9. Haji-Yousefi, A. M. and Shirkhani, S. (2025). Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Opportunities and Challenges. *Central Eurasia Studies*, 18(1), 85-110. doi: 10.22059/jcep.2025.390354.450303 [Persian]
10. Hamidi, S. and mozdakhah, E. (2025). Iran and Russia: From Potential to Obstruction in Strategic Relations. *Central Eurasia Studies*, 17(2), 125-156. doi: 10.22059/jcep.2025.379895.450243 [Persian]
11. Heidari, M. , Enami Alamdari, S. and Fattahi, F. (2012). Border Geopolitics and Model of Management and Control of Iran's Eastern Borders. *Geopolitics Quarterly*, 8(27), 118-153. [Persian]
12. Hosseini, P. , moradi, A. and zolghader, M. (2024). Examining the conditions necessary to ensure the security of the South Caucasus by the Islamic Republic of Iran with an emphasis on the Republic of Azerbaijan. *World Politics*, 13(1), 271-289. doi: 10.22124/wp.2024.28435.3401 [Persian]
13. K. singh, A (2015). Concept of national security: An Overview, *International Journal of Emerging Technologies and Innovative Research* (www.jetir.org), ISSN:2349-5162, 2(12), 1920-1925, December-2015, Available :<http://www.jetir.org/papers/JETIR1701686.pdf>.
14. Khan, E. M. . (2022). COMPREHENSIVE NATIONAL SECURITY: CONTEMPORARY DISCOURSE. *Margalla Papers*, 26(1), 1–17. <https://doi.org/10.54690/margallapapers.26.1.94>.
15. Mir, T. A., & Baghat, M. A. (2025). Ideology or survival: Where is Iran's foreign policy heading in the emerging new world order? *India Quarterly*, 81(1), 101–113. <https://doi.org/10.1177/09749284241307926>.
16. Morshedy, M. and Aghighi, A. (2024). Cooperation of Iran with Central Asia and the Caucasus Countries against Smuggling of Goods and Currency. *Central Eurasia Studies*, 17(1), 335-362. doi: 10.22059/jcep.2024.361169.450154 [Persian]
17. Osiewicz, P. (2020). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Between Ideology and Pragmatism* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003018285>.
18. Razavi Nejad, S. A., & Malek Mohamadi, H. R. (2018). ANALYSIS OF PROBLEM DEFINING IN SECURITY POLICY-MAKING. *Strategic Studies of public policy*, 8(27), 279-296. [Persian]
19. Rezapour, D. (2025). The Pattern of Relations between the Islamic Republic of Iran and Armenia in the South Caucasus Region, *Central Asian and Caucasus Studies*, 31(130) 171-196. [Persian]
20. Rezvani, B. (2025). Cultural Mosaics of Samarkand City and Province: An Examination of Ethno-Linguistic Transformations. *Central Eurasia Studies*, 18(1), 137-162. doi: 10.22059/jcep.2025.398179.450334 [Persian]
21. Shariati, S. and Sabeghinejad, R. (2022). Border zone policies in Iran Case study: Mirjaveh border point with Pakistan. *Political Organizing of Space*, 4(3), 208-223. [Persian]
22. Shojaie, A. (2025). Pathology of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the perspective of neoclassical realism; Emphasis on reactive measures. *International Relations Researches*, 15(1), 7-30. doi: 10.22034/irr.2025.476595.2593 [Persian]
23. Shojaie, A. and Simbar, R. (2025). A description and critique of Mearsheimer's theory of strategic rationality and its lessons for the political elites of the Islamic Republic of Iran. *International Quarterly of Foreign Relations*, 17(3), 261-290. doi: 10.22034/fr.2025.496314.1618 [Persian]
24. Shojaie, A. R. , Simbar, R. and Mousavi Kordmiri, S. H. (2026). The Role of National Values in Iran's Soft Power and National Security: A Case Study of Iran-Türkiye Geopolitical Competition. *Geopolitics Quarterly*, 22(1), 169-198. doi: 10.22034/igq.2025.512008.2024 [Persian]
25. Soleimani Poulak, F. (2026). The Foundations of Balancing in Iran's "Look East Policy" and Russia's Position in it. *Central Eurasia Studies*, 18(2), 199-228. doi: 10.22059/jcep.2026.395043.450324 [Persian]
26. Walter Lippmann, U.S. *Foreign Policy: Shield of the Republic* (Boston: Little, Brown and Company, 1943).
27. Wolfers, Arnold (1952) "National Security" as an Ambiguous Symbol, *Political Science Quarterly*, Volume 67, Issue 4, December 1952, Pages 481–502, <https://doi.org/10.2307/2145138>.